

## شهرهای جدید ، مشکل گشا ویا اتلاف امکانات –

همانگونه که در بخش این نوشته مطرح گردید ، احداث شهرهای جدید در کشورهای همانند کشور با مشکلات فزاینده و نهایتاً کم اما در کشورهای پیشرفته هم شهرهای جدید نچنان که انتظار میرفته یی داشته اند . شاهد های بسیاری در این زمینه هستیم .

کشوری که کننده احداث شهرهای جدید ، بحث های زیادی تحت عناوینی همچون : " چگونه شهرهای جدید دچار زوال میشوند. " ویا ظهور مشکلات دیگری در این شهرها که ظاهر آن غیر ، مطرح میباشد . ویا مشکلات این شهرها ، هنگامی هویدا می که بازار خرید و فروش ویا اجاره مسکن دچار دگرگونی و بویژه رکود میشود . رکود بازار املاک و مستقالات تاثیرش در شهرهای جدید بسیار و شدید تر از شهرهای . مسئله شبکه از مشکلات شهر جدید ، ن جمله : بی هویتی آن ، فقط به انگلستان محدود نیست . در سایر کشورهای پیشرفته نیز این مشکلات . مسئله شهر جدید همواره پژوهشگران را به خود مشغول داشته همه ساله

سمینار و کنفرانسهای متعددی در سطح صاد . له در سال جاری در 2009

سمیناری در انستیتیوی بین المللی شهر دید واقع در المیر هلند . در این سمینار نیز

: شهر مبتنی بر « برنامه » مقابل شهر « برنامه » .

کلی در این نقد ها همواره برجسته شدن دو مسئله را میتوان مشاهده نمود . نخست منطق یکسانی که بر شهرسازی، برنامه ریزی و طراحی شهرهای جدید حاکم است منطقی که انرا ناشی از تبعیت

هنجارهای مقوله شهرسازی ویا برنامه ریزی شهریء متعارف در معاصر میدانند . انها جهان

این هنجارها را عامل بی توجه ای به ویژگیهای فرهنگی و واقعیات اجتماعی نتیجه

بی هویتی شهرهای جدید در جوامع مربوطه شان میکنند . اوج این تفکر - انیورسال و بظاهر علمی

و عقلانی هنجارهای شهرسازی - را میتوان در کیستی دوکسیادیس مشاهده نمود . دیگری

که ناکامی های شهرهای جدید به آن نسبت داده میشود . سوداگران و املاک و مستقالات مشاورین و برنامه ریزان و شرکت های ساختمانی ، مقاطعه کاران ، انبوه سازان و سایر ذینفع ها در برپائی واحداث شهرهای جدید است . بقسمی که نفوذ آنها یکی از تعیین کننده های اصلی تصمیم به احداث این شهرها میدانند .

اگر به مشکل آفرینی و پدیده هائی همچون زوال و یا ضعف جذابیت بنوعی بی هویتی شهرهای جدید توجه عمیق تری داشته باشیم خواهیم یافت : برای توجیه همه جانبه این مسئله علت های پیش گفته نمیتواند که " سخگوی همه ی پرسشهای قابل طرح در این زمینه باشد . امروزه با ورود سایر رشته های علمی به عرصه تحلیل ساز نیابی فضا و شهرسازی بتدریج نگرشهای ی با پشتوانه نظری تری در حال شکل گیری است .

نکته مهمی که بعنوان تعیین کننده عمده ویژگی ها و یا تفاوت زندگی در شهر جدید با شهر موجود و یا آنچه نهایتاً " « هویت » و یا بصورت دیگر « جذابیت » شهر . این است که : هر شهر موجودی حاصل یک « » اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی - نهادی ، فرهنگی ، اکولوژیکی و همچنین تخریب ، بازسازی ، نوسازی . . . میباشد . روندی که سازی ، تخریب ، فرسودگی ساختار گیری ، دگرگونی ساختاری و فروپاشی ساختاری در آن تواما" و بموازات هم تحقق مییابد . اما یک شهر جدید که " در فضای جدیدی ساخته میشود ، که پیش از احداث شهر مورد هیچ استقرار شهری ، روستائی و یا حومه شهری نداشته باشد و مطابق با برنامه و طراحی شهری مشخصی احداث گردد اصل یک ( ) و نهایتاً " یک « » در این با آنچه حاصل یک « » است ، تفاوت ماهوی خواهد داشت .

شهر همچون یک سیستم دُمپلیکید خطی یا یک دُمپلکس سیستم غیر خطی

اکنون ، هنگامی که بر این باور هستیم که « شهر » از یک سیستم با جز سیستم های پیچیده ای (گمپلیکید) تشکیل میشود ، و در نتیجه در پی انیم که جوانب مختلف این پیچیدگی ها (گمپلیسیتی) تجزیه و تحلیل نمائیم . ظاهرا "چنین نتیجه گیری خواهد شد ، که با تجزیه و تحلیل مذکور قادر خواهیم بود قانون مندی سیستم های پیچیده ئی ( ی ) این بررسی ها ارائه دهیم .

" الگوئی را واقع گرا و در نتیجه موفق تر میدانیم که : بررسی هایش همه جانبه و ژرف تر باشد . اینگونه پرداخت به مسئله شهر و تدوین الگو برنامه طرح شهری همان چیزی است که در برنامه ریزی متعارف ( کنونسیونال) شهری - البته به روش و اشکال مختلف - انجام می پذیرد .

اکنون ، رابطه با قانون مند پذیری سیستم ها همواره با سیستم های خطی و غیرخطی مواجه ایم ، در اینصورت نخست میباید مشخص نمود شهر و یاسامانه (سیستم ) شهری کدام از این دوگونه سیستم متفاوت میباشد . که سید و یا سیستم های شهری قانونمندی بگونه پایدار و کاملا قابل پیش بینی ، مانند یک سیستم پیچیده خطی نیست ، بنا بر این تبعیت از اهداف از پیش تعیین شده یک برنامه و یا طرح و پروژه مشخص شهری ، هرچند که در ان انعطاف و امکان تجدید نظرهای بعدی پیش بینی شده باشد ، را باچالشهای بسیاری مواجه مینماید . بهمین سبب ، برخی معتقداند : "شهر و یا هر پدیده ماعی دیگر را میباید نه بصد یک سیستم گمپلیکید بلکه یک لکس سیستم .

تحولات و دگرگونی ها در یک شهر و یا جامعه شهری بهر حال حاصل یک (پروسه ) اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و غیره است .

اکنون برای اینکه در بعد نظری تفاوت های میان اصل یک « » را با نتیجه یک ( ) یا « » با اهداف از پیش تعیین شده ، فرضا" یا پروژه احداث یک شهر ، مورد توجه قرار دهیم میباید به برخی ویژگیهای تعیین کنند یک گمپلکس سیستم توجه نمائیم .

در صورت پذیرش این واقعیت که « شهر » میباید ، همچون یک « سوپر ارگانیزم » که بصورت یک کمپلکس سیستم برخی از ویژگیهای اصلی یک کمپلکس سیستم توجه قرار میدهیم :

-- یک کمپلکس سیستم غیر خطی "از عضوهای تشکیل میشوند که باهم در

: افراد یک جامعه، هی در جمع پرندگان در حال پرواز، اتوموبیل ها یک سیستم

ترافیک.

-- یک پیچیده سیستم غیر خطی است : همواره تغییر ارتباط متقابل عضوهای تشکیل دهند اش

متناسب با نتایج بدست آمده نیستند.

-- سیستم های پیچیده خطی خاصیت و یا « ( تی ) »

مانند هواپیما که فرضاً " « » اما در پیچیده سامانه (کمپلکس سیستم) های

غیر خطی همواره ممکن است ( تی ) های جدیدی ظاهر . هرچند این ا ض بر پایه

امکانات سیستم و ناشی از ان ظاهر میشوند ، ولی چگونگی ارتباط درونی شان با کل سیستم همواره قابل پیش

بینی نیست . در نتیجه با تحلیل اجزای سیستم نمیتوان همواره آنچه ظاهر میشود ویا نتیجه کاملاً پیش

بینی و تبیین نمود .

-- در پیچیده سیستم های غیر خطی هر چند ارتباطات موضعی هستند ولی حاصل این ارتباطات برای

سیستم همه گیر ( ) .

-- کمپلکس سیستم های غیر خطی سیستم های باز هستند . بدین صورت که با محیط شان در تبادل متقابلند .

بعنوان مثال در فیزیک هم تبادل متقابل انرژی و مادهء کمپلکس سیستم های غیر خطی با محیط شان غیر

قابل محاسبه است . در بیولوژی سیستم های باز همه ی موجودات زنده را شامل میشود . انها هم

مداوم با محیط شان در حال تبادل متقابل انرژی و ماده بوده ، از این طریق میتوانند وپی

سطح پائین نگهدارند . در جامعه نیز سیستم های اجتماعی سیستم های باز هستند . اما هر چند باز بودن سیستم

اجتماعی ، الزاماً موجب کاهش ا وپی ان نمیشود ، ولی برای کاهش وپی ان باز بودن سیستم

ضروری است . واقع همه ی کمپلکس سیستم های باز بیولوژیکی ویا اجتماعی با کاهش ویا

صدور انرژی وپی د ، به گرایش بنظم و سازمان یابی مطلوبتر روابط درونی و متقابل خود میافزایند .

-- بدین ترتیب پیچیده سیستم های غیر خطی باز دارای قابلیت خود سازمان دهی میشوند .

-- بلاخره پیچیده سیستم های غیرخطی بازروندی را شکل میدهند که گرایش های آنها تنها در گذشته آینده نیز بر تعیین کننده ای خواهند داشت .

باتوجه مختصر به ویژگیهای کمپلکس سیستمهای غیرخطی باز و توجه به شهر و یا هر سیستم اجتماعی همچون یک کمپلکس سیستم غیر خطیء بتدریج به محدودیت های یک « شهری در سامان دهی زندگی شهری و ممانعت از ظهورچالشهای بعدی ان بیش از پیش پی میبریم . های بعدی بحث نظری حاضر را با پرداخت های همه جانبه تری ادامه خواهیم داد .

بنا براین در اولین جمع بندی مقدماتی فعلا" این حد میتوان ادعا نمود : که هم اکنون ویا این اواخر بتدریج پژوهشهای در جریان تحولات شهری را همچون مجموعه ای از «گرایش ها» مورد توجه قرار برنامه ریزی شهری را هم بیشتر بعنوان مقوله ای مبتنی بر پرداختن به گرایشهای مختلف ودر نتیجه: یک روند «هدایت» شهر ویا وضعیت های شهری ، انهم علی القاعده موجود مینگر "یک « شهری مبتنی اهداف از پیش تعیین شده که فعلا" رایج است .

:

انچه مطرح گردید در واقع همانطور که پیش تر هم گفته شد چالشهایی است که از جهات نظری (تئوری) روی برنامه ریزی شهری یا پژوهشهایی که در رابطه با مقولات نظیر ان در مورد برنامه ریزی شهری و خاصه در : ایجاد شهرهای جدید در جامعه ما هر چند نظری فوق را هم میتوان مطرح نمود اما مشکل و مسئله اصلی در احداث شهرهای جدید در کشور " چندان به های نظری پیش گفته مربوط نمیشود . رد شهرهای جدید احداث شده ویا در حال احداث درکشو مشکل اصلی بی راهه رفتن و فاصله داشتن و تقابل کامل این سیاست گذاری و تصمیم گیری ها با نیازهای شهری جامعه در شرایط کنونی است ! مسئله اصلی " اشاره به نحوه رایج مواجه شدن با مقوله هدایت توسعه شهری درک . روالی که کنون امکانات و هدر دادن فرصت های - انهم بسیار - جامعه گردیده است . سیاست گذاری

هائی که نه تنها ثمره ای ندارند، بلکه باتشدید مشکلات و معضلاتی که در اعمال این سیاست گذاری ها  
ی "سلبی و دستوری بوجود میآیند، نهایتاً" رفع و یا تعدیل مشکلی خود مزید بر  
و بر مشکلات موجود میافزایند.

اکنون پرسشی که قابل طرح میباشد، این است که: علی رقم همه انتقاد یاد وریء

ناکارآمدی های محرز پیش رو و قابل رویت برای همگان! باز به سیاست های مشکل فرین

ادامه داده میشود این تناقض محرز ه میتوان تعبیر نمود

**تناقض سیاست گذاریهای مربوط به احداث شهرهای جدید نیازهای واقعی بخش شهری .**

هنگامی که علی رقم عدم موفقیت در احداث شهرهای جدید و با وجود یاد وری های بسیار این ناکامی

ها هم بای اعتنائی به انتقاد احداث شهرهای جدید دیگر ستورکار قرار میدهیم! بلا فاصله

اعمال نفوذ عوامل خاصی که در این قضیه صاحب منافع هستند، برجسته میشود. اما واقعیت بیش از این

. یعنی هر چند نمیتوان این اعمال نفوذ را نادیده انگاشت، ولی همه چیز را هم نمیباید ناشی

. این مسئله متنوعی دارد. به گونه ای که میتوان از برداشت های رایج در رابطه با شهرسازی

و برنامه ریزی شهری در میان کارشناسان رفته تا محتوای برنامه های آموزشی این مقولات در

های آموزشی مربوطه بین وضعی موثر دانست. علاوه بر آن و مهم تر از همه نباید

مسئله ماندگی مسئولین اسخگوئی به نیازهای موجود را از . نیازهای که

"نتیجه قصور نا کارآمدی ممتد دستگاه اجرائی . در نتیجه بهمین سبب گوئی دستگاه اجرائی

بنوعی همواره در پی دور کردن مشکل از قلمرو مسئولیت .

شهرسازی و برنامه شهرهای جدید مبتنی بر سیاست گزارى هائى كه تاكنون اعمال شده موجب مشكلات بسيار وحتى اختلال در روند هدايت هاى اينده شهرى جهت منافع - ويا تعديل مشكلات - جامعه .

همانگونه كه در بخشهاى قبلى در اين سايت تا كنون مطرح نموده ايم : بخش شهرى و در نتيجه سيستم وشبكه شهرهاى ما اين قريب به ه عى هرج ومرج وضعف شديد ساختارى شبكه فضائى خود . اين هرج ومرج در واقع بازتاب روند سياست گزارى ها و باصطلاح الگوها و برنامه ريزى هاى توسعه و بطور كلى سياست هاى اقتصادى اى ميباشند كه پيش از انقلاب شكل رفته و بعد از انقلاب هم پس از سپرى شدن دهه اول در پى چه كنم چه كنم هاى كذائى دهه هاى بعدى دوباره بصورت پيش از انقلاب البته سرهم بندى شده تريباز توليد و تكرار . نتيجه وضعيتى بوجود آمد كه : مسئله سازى و بن بست هايش بيش از پيش از انقلاب ! تاثير اين وضعيت شهرنشيني ، توسعه شهرى و شبكه شهرها بقمسى كه : اين شبكه چنان بر هرج ومرج كه در شرايط كنونى قادر نيست حتى در كمترين « » نقش خود را بعنوان ساختار فضائى يگانه كننده ( يو ) اقتصادى اجتماعى و فضائى ايفا نمايد . در واقع نه تنها در اين از پشتمباني و هدايت اگاهانه در جهت سازماندهى ساختارگيرى اش در جهت منافع جمعى برخوردار بلكه " اثر اعمال سياست گزارى هاى در تقابل با منافع جمعى نابسامانى .

### علل اين وضعيت کدامند چگونه شكل

از سالهاى بعد از كودتاي 28 32 شتاب گرفتن تغيير و تحولات جامعه ، همچون : افزايش سريع تر جمعيت ، تحرک و جابجائى وسيع ان ، آغاز دگرگوني هائى ، بعضا" در حد فروپاشى بخش روستائى ، گسترش شهرنشيني وسائر تغيير و تحولات داخلى وخارجى ، ظهورء كمبود ها ت وسيع عقب ماندگى وتوسعه نيافتگى ء عميق كشور در همه ي زمينه هاى اقتصادى ، اجتماعى وسياسى بود كه : « فشار سياسى » ناشى از تشديد مشكلات را افزايش . از ميان برداشتن ويا تعديل كاستى ها ئى كه روز حجم شان افزوده ميشد ، مشاركت مردم در تصميم گيرى در

جامعه بیش از پیش ، هویدا شد . نیاز ذکوردرنهایت بصورت مطالبات اساسی مردم جهت کسب حقوق مدنی ، سیاسی و اجتماعی میشد . پاسخ زمامداران به این ضرورت ها ، بنظر میرسد ، جستجوی شیوه ویا راهی بود که بدون سپردن ام و تمکین به مردم سالاری حال شکل گیری ورو بافزاید حد امکان ، مشکلات رو ه را از میان برداشته یا اینکه انها تعدیل نموده وبه . این این خواسته درواقع رویایء بورژوازی « محلی » یا بزعم برخی « بسته » البته نه « ملی » اکثرجوامع درحاشیه وتحت سلطه . اما استثنای کشور ما دراین بود که : همراهی وتوسل به نسخه های سلطه گران پذیرش برنامه های توسعه وسیاست گذاری ها مربوط به توسعه انهم ازطریق سازوکارهای که بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ، بنوعی دیکته میکردند ؛ بگونه ای بود که این سیاست گذاری ها نیل به اهداف مذکورمیبایست شکل دادن وایجاد ویا تقویت وتثبیت بورژوازی محلی پیش گفته را نیزبعهده گیر ! استثنا از این نظر که : جامعه ما پس از زوال تدریجی عیتی ویا بخش اصلی تشکیل دهنده الیگارش حاکم ، درمقایسه با کشورهای توسعه نیافته ای که صادرکننده مواد اولیه بودند اقتصاد شان مبتنی بر صادرات اقتصاد کشت (پلانتاسیون ) بورژوازی محلی هنوز مراحل تکوینی وبسیار شکننده وناپایدار بود . که این خود یکی از عوامل عمده ء تعیین کننده نحوه تحقق 57 مییاشد !

" در مقایسه کشور ما باکشورهای سابقا" مستعمره ای که تحولات اقتصادی واجتماعی اخیرشان را دوسه دهه قبل ازکشور ما شروع کردند ؛ میبینیم : این کشورها در بسط وانکشاف اقتصاد مبتنی مدتها بود که بورژوازی محلی انها دراقتصاد مبتنی ادارات مواد اولیه فعال بوده ودر قادر به شکل دادن به انباشتی که تحولات اقصادی جدید به ان نیاز داشت بود . البته به علت محدودیت توانائی و ناکافی بودن انباشت مذکور این ج به تامین کمبود سرمایه های لازم از طریق استقراض خارجی سوق داده شدند . اغلب این جوامع هم اکنون میزان استقراض خارجی شان که بتدریج افزایش یافته هرکدام بیش از چند صد میلیارد دلار است .

در مقایسه با سرمایه داری محلیء انهم عقب مانده این سرمایه داری محلی جامعه ما در

همان حد عقب مانده و محدود جوامع نامبرده نیز در تحولات بعد از مرداد 32 نقشی نداشت!

از انباشتی برخوردار نبود که تاحدی متکی به امکانات در این تحولات شرکت نماید! بهمین سبب تحولات نخست بکمک قرضه خارجی و سپس تزریق مداوم در امدادهای نفتی صورت پذیر .

در چنین شرایطی و با پیگیری چنین اهدافی روند سیاست گزاریهای پیش گفته وارد مراحل جدیدی شد .

بدین ترتیب و در پی تحقق چنین اهدافی بود که : مراکز و تشکیلاتی نظیر بانک جهانی ، صندوق بین المللی

مشاورانی همچون گروه هاروارد ، ام آی تی بنیادهای پشتیبانی کننده ای نظیر بنیاد فورد ،

کارنگی سازمان دهندگانی همچون سیا خارجه امریکا . همه این

عوامل و خواسته ها دست بدست هم دادند نهایتاً موجب تغییرات اجتماعی اقتصادی انهم شکل

خاصی از انکشاف اقتصاد مبتنی بر بازار در یک ساختار توسعه نیافته روبرو با زوال تدریجی

ساختارهای سنتی اش ، شوند . در این میان تحولات شهرنشینی و توسعه شهری که عمدتاً " متاثر از شرایط

پیش گفته بود نیز چالشهای جدید و نسبتاً " غافلگیرکننده ای پیش . بدین ترتیب و در این چالشهای

جدید بود که : امه ریزی شهری هم متاثر از همان برداشت ها آیت سیاست و خواسته زمامداران و

سیاسی شان ، بصورت پشت بند و تکمیل کننده نسخه های به " توسعه اقتصادی

و اجتماعی ، ه میدان امد .

بنابراین ، همانگونه که در برنامه ریزی های توسعه ابتهاج دست بدامن بنیاد فورد و سپس گروه

هاروارد شد . در برنامه ریزی شهری هم بعنوان مثال : تهران به ویکتور گروهن که از مدتها

پیش ی کشورها با بنیاد فورد همکاری داشت ، .

برنامه ریزی های به اصطلاح توسعه انهم بدون مشارکت ، دعوت از گروه هاروار برای تهیه

برنامه به بعد ، پس از تاسیس سازمان برنامه در همان سالها ، یکی از اجزای اصلی و تاثیر گذار

تحولات سالهای پس از مرداد 32 . جالب اینجاست که : گروه هاروارد هنگام آغاز بررسی

و فراهم آوردن مقدمات برنامه سوم به بعد ، اصولاً " برنامه اول و دوم را در حد یک برنامه توسعه نمی

! هرچند بعدها در نقدهایشان برنامه های توسعه بعدی را هم چیزی بیش یک سرهم بندی  
( . . به برنامه ریزی در ایران . . مک لئود . سرپرست اجرایی گروه مشاوران هاروارد -  
نشر نی) واقعیت بسیار مهمی که نباید بی توجه از آن گذشت ، این است که : منصفانه باید به این مسئله  
اشاره داشت که اکثر مشاوران گروه هاروارد که در برنامه ریزی های توسعه پنج ساله مشاور سازمان  
برنامه بودند . همواره در وضعیتی مانند ایران - یعنی با توجه به ویژگیهای ساختاری تاریخ آن -  
سالاری و عدم مشارکت مردم در تصمیم گیری ها راعلت اصلی نا کارآمدی و شکست برنامه ها دانسته ،  
اغلب به آن اشاره داشتند ! " ان جا که در سنت برنامه ریزی غرب بویژه کسونی  
همیشه برنامه ریزیا مشاور ارائه کننده خدمات مشخصی دولت های مربوطه هم به کارفرما  
ویا " " کار تلقی میشوند ، این صورت نظر این مشاورین : بود ویا نبود مردم سالاری مسئله  
کارفرما خواهد بود؟! و نه ارائه دهنده خدمات مربوطه ! در صورتیکه معمولا" در چنین شرایطی  
کارشناس صاحب نظر بومی چنان که مرسوم است خود را متعهد به منافع مردم دانسته تن به چنین  
همکاری و ارائه خدماتی نمیدهد ! آنچه در اصطلاح برنامه ریزان به سیاسی دیدن چنین همکاری ای  
. چون برنامه ریز غربی برنامه ریزی را امری علمی و فنی دانسته و تعیف برنامه ریزی  
بعنوان یک روند سیاسی را نمی پذیرد .  
هدف از طرح بحث حاضر ه به این واقعیت است که تداوم روند فوق یعنی باز تولید همان سیاست ها  
و برداشت های گذشته که سیاست گذاری ها منطبق نبوده و از آنها  
فاصله گرفته و باز اویه سازی تدریجی نهایتا در تقابل کامل با آن قرار گرفته است ، وضعیتی پیش آمده که :  
بیراهه رفتن بصورت امری عادی و طبیعی آید ! " کلان شهر با کمبود های مشخصی  
مواجه ایم . احداث شهر جدیدی ببینیم ! مسئولین  
اندیشی و پاسخ به کمبودها ویا مشکلات مشخص ، دور اندیش شده ! بخیر  
" ریشه ای ! " ان ، یعنی جلوگیری از گسترش بیش از " " شهر میبینند . حال این بیش از حد  
بودن بر چه مبنی ای است " چه رابطه ی بامطالبات و نیازهای مشخص مردم

این زمینه . امریست که تعیین و تشخیص نه بامردم بلکه با اولیای امور است ! و بدین صورت باز همان برداشت ها و سرهم بندی ها رایج شده در شرایط مورد بحث چون دور باطلی تکرار میشو .

شهریور 1388 مهدی کاظمی